

## سخن سردبیر

براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله، جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، کشوری توسعه‌یافته و دارای مقام و جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در بین کشورهای منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام، همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی خواهد بود. همچنین در این سند ایران کشوری توسعه‌یافته با الگویی متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی با اتکا بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی معرفی شده است. این سند که در سال ۱۳۸۲ از سوی مقام معظم رهبری به رؤسای قوای سه‌گانه ابلاغ شد، مبنایی برای قانونگذاری و تصمیمات کلان نظام و سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست.

با توجه به تجربه سه دهه گذشته (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بنا به دلایل متعدد و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی موجود و اهداف تبیین‌شده در برنامه‌های مختلف، تحولات اساسی در ساختار اقتصادی کشور ضروری است. به عبارت دیگر برای تحقق اهداف تعیین‌شده در قالب برنامه‌های سالیانه (قوانین بودجه سنواتی)، برنامه‌های میان‌مدت توسعه‌ای (قوانین برنامه) و برنامه‌های بلندمدت (سند چشم‌انداز بیست‌ساله) و اهداف معرفی‌شده در این اسناد به برنامه‌ریزی و بازنگری در بخش‌های مختلف نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیازمندیم. این بازنگری در عرصه اقتصاد با تصویب و اجرای قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی آغاز شد که منشأ بروز تحولات و تعدیلات زیادی بوده و هست.

براساس اصل (۴۴) قانون اساسی، اقتصاد ایران از سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تشکیل شده است. هدف از تصویب و اجرای قانون مزبور در سال ۱۳۸۷ هم تغییر سهم بخش دولتی به نفع دو بخش خصوصی و تعاونی بود که گام مؤثری را در

راستای ارائه تفسیر جدیدی از اصل (۴۴) قانون اساسی برداشت. تعیین خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری‌های کلی برای سیاست‌گذاری با هدف ایجاد بسترهای لازم برای تحرک اقتصاد حول محور بخش خصوصی، موضوع اصلی این قانون است و در آن تلاش شده بسیاری از موضوعات مرتبط با چگونگی گسترش نقش بخش‌های خصوصی و تعاونی و همچنین محدودیت دولت در حاکمیت و مدیریت سامان‌دهی شود.

با توجه به این رویکرد و تغییر رویه قانونی اتخاذشده در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و تجربه موفق برخی کشورها در استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های مشارکت بخش خصوصی در رشد و توسعه اقتصادی، ضروری است تا همگام با عملیاتی شدن این دیدگاه، برخی بخش‌های دیگر اقتصادی نیز از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تحول یابند. اصلاح و تعدیل برخی قوانین مهم و زیربنایی اقتصادی مانند قانون تجارت، مالیات‌های مستقیم، امور گمرکی، پولی و بانکی و ... از جمله این موارد است.

اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها از سال ۱۳۸۹ توجه به این تحولات را جدی‌تر کرده است؛ زیرا با اجرای این قانون و بروز برخی مشکلات، در قالب افزایش هزینه فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی و یا داخلی شدن بخش اعظمی از هزینه‌های خارجی فعالیت‌های اقتصادی، ممکن است در کوتاه‌مدت بعضی فعالیت‌ها با چالش‌های جدی روبه‌رو شوند. هرچند سیاست‌های حمایتی و نیز آثار اجرای این طرح در میان‌مدت و بلندمدت که در قالب اصلاح ساختار اقتصاد بروز خواهد کرد می‌تواند بسیاری از مشکلات و محدودیت‌های یادشده را برطرف کند.

در این شرایط وظیفه اصلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی شناسایی زمینه‌ها و رفع موانع پیش روی فعالان اقتصادی و نظارت بر بازار سنجش می‌باشد که پایش فضای کسب‌وکار و استفاده از آرا و نظرهای تشکل‌های بخش خصوصی در این موارد راهگشاست. این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که تجربه برخی کشورهای در حال توسعه مانند چین،

ویتنام، لهستان و مجارستان تأییدکننده این واقعیت می‌باشد که راهبرد کارآمد در تبدیل اقتصاد دولتی به اقتصاد غیردولتی راهبرد بهبود محیط کسب و کار است.

بر این اساس اولین قدم در اجرای موفق سیاست‌های بالادستی نظام اقتصادی برای دست یافتن به اهداف مورد نظر، ایجاد بسترهای قانونی و اجرایی است. شکل‌گیری برخی نهادها مانند قوانین مرتبط، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و یا مراکز گفت‌وگو و تعامل دولت با بخش خصوصی، مدیریت واحد و نظام‌مند سیاست‌های اقتصادی با محوریت نظارت، ارزیابی و سنجش فضای کسب و کار و اصلاح برخی قوانین مرتبط با فضای کسب و کار با تغییر تحولات انجام‌شده در اقتصاد داخلی و بین‌المللی و همچنین رفع برخی اختلالات و یا تبعیض‌های قانونی (احتمالی) موجود در قوانین جاری بین فعالان اقتصادی بخش‌های مختلف به‌ویژه بخش دولتی و خصوصی از مهم‌ترین اقدامات و ضرورت‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصاد ایران است که بی‌توجهی به آنها می‌تواند دستیابی به برخی از اهداف مصرح در قوانین بالادستی را با چالش روبه‌رو کند.

در این شماره از فصلنامه مجلس و پژوهش، تلاش شده تا با گردآوری برخی مقالات مرتبط با اصلاح ساختار و نهادهای اقتصاد، به طرح این موضوعات کمک شود، به‌نحوی که علاوه بر بیان برخی مفاهیم تئوریک، مصادیق، تجربیات و یافته‌های موجود در راستای ایجاد نهادهای تقویت‌کننده، نحوه حضور بخش خصوصی در عرصه‌های مختلف اقتصاد نیز بررسی گردد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انتظار دارد اندیشمندان و صاحب‌نظران اهل قلم با شناسایی زمینه‌های محدودکننده توسعه و تکامل فعالیت بخش‌های غیردولتی در ساختارها و نهادهای اقتصادی کشور، با انجام مطالعات کارشناسی، موانع را برطرف کرده و این تجربیات را در اختیار همگان قرار دهند.